

ساخت‌یابی الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در دوره جمهوری اسلامی)

شهرام طهماسبی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد جواهری پور^۱

استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رضاعلی محسنی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۳

چکیده

هدف این مقاله بررسی ساخت‌یابی الگوهای مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی است. رویکرد نظری این بررسی مبتنی بر دیدگاه ساخت‌یابی گیدنز است. روش تحقیق این مقاله روش تطبیقی و تکنیک گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی است. در این مقاله ابتدا به بررسی ساختار نظام سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته شده و بر آن است که بنیادی‌ترین ویژگی نظام سیاسی جمهوری اسلامی که بر مشارکت سیاسی موثر بوده، حق حاکمیت الهی است. به واسطه همین ویژگی بنیادین بوده که نظام جمهوری اسلامی در پی تقویت جامعه دینی در ایران بوده است. زیرا نیروهای سیاسی هوادار نظام سیاسی، برآمده از همین جامعه دینی‌اند. اما در کنار جامعه دینی، جامعه مدنی نیز حیات داشته که از دل آن نیروهای سیاسی برآمده‌اند که لزوماً هوادار نظام سیاسی موجود نیستند. به واسطه عملکرد نظام سیاسی و بر اساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز سه الگوی مشارکت سیاسی در ایران شناسایی شده است. این الگوها عبارتند از: الف) الگوی رابطه تخاصم که پیروان آن بیرون از فرآیند مشارکت سیاسی قرار گذاشته شده‌اند؛ ب) الگوی حمایتی که برآمده از جامعه دینی بوده و در پی صیانت از حق حاکمیت الهی هستند و به دلیل حمایت نظام سیاسی از پیروان این جریان فکری، بر اساس سلسله مراتب مشارکت سیاسی دارای الگوی مشارکتی فراگیر و چرخه کامل مشارکت سیاسی بوده‌اند؛ ج) الگوی سوم الگوی مشارکت سیاسی غیرحمایتی و برآمده از جامعه مدنی بوده که بر اساس سلسله مراتب مشارکت سیاسی دارای الگوی مشارکتی ناقص است و به طور مداوم در حال جذب و طرد از جریان اصلی قدرت سیاسی در ایران هستند.

واژگان کلیدی: ساخت‌یابی، مشارکت سیاسی حمایتی، مشارکت سیاسی غیرحمایتی، حق حاکمیت الهی.

مقدمه

موضوع این مقاله مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. «اگر مشارکت‌سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام سیاسی بدانیم» (Fakouhi, 2004: 27). یکی از سازوکارهای مشارکت‌سیاسی، مشارکت در انتخابات است. بعد از انقلاب اسلامی سابقه مشارکت مردم در بیش از ۳۵ دوره انتخابات متعدد در حدود مدت ۴۰ سال نشان از میزان بالای مشارکت‌سیاسی در کشور است. ولی بر خلاف کشورهای صنعتی که دارای الگوی مشارکت‌سیاسی تا حدود زیادی قابل پیش‌بینی هستند در ایران نتایج مشارکت‌سیاسی تا حدود زیادی غیرقابل پیش‌بینی است (اصلاحچی، ۱۳۸۷: ۲۹-۳۱). این در حالی است که مشارکت‌سیاسی تنها راه حل عقلانی برای حل منازعات سیاسی بین نیروهای سیاسی فعال در جامعه است (Lipset, 1994: 10-22). از این رو تعدادی مطالعه به چگونگی و چرایی فرآیند و نتایج مشارکت‌سیاسی در ایران پرداخته‌اند (سیف‌زاده، ۱۳۷۴؛ موسوی، ۱۳۷۷؛ قهرمانی، ۱۳۷۵). ولی بیشتر مطالعات این حوزه با استفاده از نظریه‌های متعارف مشارکت‌سیاسی، در پی توضیح این پدیده بوده‌اند. این در حالی است که نظریه‌های متعارف مشارکت‌سیاسی یا عاملیت یا ساختار را در کانون بررسی خود قرار داده‌اند و بیشتر مطالعات مشارکت‌سیاسی در ایران از این رویکردها بهره برده‌اند. رویکرد این مقاله آن است که با استفاده از دیدگاه ساخت‌یابی به عنوان پشتوانه فکری به بررسی نقش همزمان ساختار و عاملیت در شکل‌گیری الگوهای مشارکت‌سیاسی در ایران بپردازد. یا به عبارت دیگر قصد کاربست نظریه ساخت‌یابی‌گیدنز در خصوص مشارکت‌سیاسی را دارد.

برای این منظور پس از پرداخت به مفاهیم اساسی نظریه ساخت‌یابی و اشاره به مطالعات انجام شده در حوزه مشارکت‌سیاسی به بررسی ساختار سیاسی و ویژگی‌های بنیادینی از نظام سیاسی که بر مشارکت‌سیاسی اثر گذار است خواهیم پرداخت و سپس کنش سیاسی عاملان با توجه به ویژگی‌های ساختار سیاسی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان سعی خواهد شد الگوهای اصلی مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مشخص گردند.

رویکرد نظری: نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز

مهم‌ترین هدف این مقاله کاربست نظریه ساخت‌یابی در حوزه مشارکت‌سیاسی است. نقطه شروع بحث گیدنز دخیل دانستن ساختار و عاملیت در تبیین پدیده‌های اجتماعی است، بدون این که یکی را تعیین‌کننده دیگری بدانند. البته این جداسازی صرفاً جهت تحلیل و تبیین است و در عالم واقع چنین چیزی مشاهده نمی‌شود (Seidman, 1996: 148). کانون نظریه ساخت‌یابی روشن کردن رابطه متقابل دیالکتیکی و دوگانه عاملیت و ساختار است. «هر کنش اجتماعی در برگیرنده ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. بنابراین عاملیت و ساختار به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت روزمره در یکدیگر تنیده شده‌اند» (Giddens, 1984: 15). «آنها دو رشته پدیده‌های موجود جدا از هم نیستند بلکه وجود واحد دوگانه‌ای را به نمایش می‌گذارند» (Giddens, 1984: 26).

البته در نظریه ساخت‌یابی عاملیت بر ساختار اولویت دارد (کرایب، ۱۳۷۸: ۳۰-۳۳؛ پارکر، ۱۳۸۵: ۱۰۱). با وجود این هر جامعه با توجه به لایه‌های ساختاری بنیادی که دارد، راهبردهای مختلفی در اختیار کنشگر قرار می‌دهد و از طرفی دیگر هر کنشی در داخل سلسله مراتب ساختاری روی می‌دهد و می‌تواند مستقیماً تغییرات جزئی در آنها

ایجاد کند. همچنین هر کنشی تجربه‌ای نیز برای کنشگر فراهم می‌آورد که آگاهی‌های او را فزونی می‌بخشد و با آگاهی‌های به دست آمده، کنشگر از محدودیت‌ها و امکاناتی که ساختارها فراهم می‌کند، اطلاع می‌یابد و در نتیجه این امکان را دارد که در آینده راهکارهای مناسب اتخاذ کند (مارش، استوکر، ۱۳۸۴: ۳۲۰). یا به عبارتی دیگر ساختارها هم میانجی‌عاملیت و هم برآیند آن است (پارکر، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

نظریه ساخت‌یابی به این دلیل مبنای نظری مقاله حاضر قرار گرفته است که در تبیین پدیده‌ها هم به ساختار و هم به عاملیت توجه دارد و این مقاله نیز در پی بررسی نقش ساختار سیاسی و عاملان در ساخت‌یابی مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است.

پیشینه نگاشته‌ها

در خصوص چگونگی مشارکت‌سیاسی در ایران، پژوهش‌های بسیاری با رویکردهای متفاوتی انجام شده است برای نمونه از رویکرد نظریه‌نوسازی برای توضیح مشارکت‌سیاسی در ایران استفاده شده است (رضی، ۱۳۷۴). با استفاده از نظریه کارکردی-ساختاری پارسونز به تبیین تحول مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه سیاسی در ایران پرداخته شده است (سیف‌زاده، ۱۳۷۴). برخی به کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی زنان در ایران پرداخته‌اند (مصفا، ۱۳۷۵؛ عبدلهی، ۱۳۸۳؛ Enayat, 2002). برخی در خصوص چگونگی مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی دست به نظرسنجی زده‌اند (اسدی، ۱۳۵۶). همچنین به مطالعه تاثیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی به نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت‌سیاسی زنان پرداخته‌اند (باور، ۱۳۷۳). برخی با رویکرد روان‌شناسانه در پی توضیح مشارکت‌سیاسی در ایران بوده‌اند (موسوی، ۱۳۷۷؛ قهرمانی، ۱۳۷۵). عده‌ای با رویکرد آماری به بررسی مشارکت‌سیاسی در ایران پرداخته‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۶۸). یا با رویکردی اکتشافی به بررسی الگوهای مشارکت در بین دانشجویان بوده‌اند (فرجام‌فر، ۱۳۷۹). برخی به بررسی رابطه بین مشارکت‌سیاسی و توسعه سیاسی در ایران پرداخته‌اند (مردوخی، ۱۳۷۳).

این مطالعات از دیدگاه‌های مختلفی به بررسی چگونگی و چرایی مشارکت‌سیاسی در ایران نظر کرده‌اند و هر کدام بر جنبه‌ای از مشارکت‌سیاسی تمرکز داشته‌اند ولی در هیچ یک از مطالعات یاده شده از رویکرد ساخت‌یابی به مشارکت‌سیاسی، بهره برده نشده است. این مقاله با استفاده از رویکرد ساخت‌یابی گیدنز به عنوان پشتوانه نظری قصد بررسی مشارکت‌سیاسی در ایران را دارد.

- نقش نظام سیاسی در ساخت‌یابی مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

بنیادیترین ویژگی نظام جمهوری اسلامی که بر مشارکت‌سیاسی تاثیر می‌گذارد اصل حق حاکمیت الهی است. با توجه به اندیشه فقیهان بارزترین مصداق حق، حق حاکمیت بر سرنوشت است. برخی از اندیشمندان مسلمان حاکمیت را به منزله تابعی از ولایت الهی دانسته و توحید در حاکمیت را به تبع توحید در ولایت مطرح نموده‌اند. این ولایت در حکومت انبیا و صالحان ظهور می‌یابد و در سلسله طولی، اعتبار خود را از خداوند دریافت می‌کند. نظریه فوق مبنای مشروعیت الهی حکومت دینی شمرده می‌شود (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۱-۱۸۴). بر این مبنا

حاکمیت سیاسی نیز از آن نیروهای آسمانی است و حاکمان حق حکومت را از آنان به دست می‌آورند (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۰: ۶۶-۶۷).

این دیدگاه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انعکاس یافته است. در اصل اول قانون اساسی آمده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است...». سپس در اصل دوم آمده است: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به (۱) خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او، (۲) وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، (۳) معاد و نقش سازنده آن در سیر تکامل انسان به سوی خدا، (۴) عدل خدا در خلقت و تشریح، (۵) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا». همچنین در اصل چهارم آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است». در اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت بر عهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵).

در طول حیات جمهوری اسلامی تفاسیر مسئولین و نهادها بیشتر بر جنبه مابعدالطبیعه حق حاکمیت استوار بوده است برای نمونه "آیت‌الله مصباح یزدی" در خصوص ولایت فقیه چنین می‌گوید: «همه اختیاراتی که برای امام معصوم به عنوان ولی امر جامعه اسلامی ثابت است برای فقیه نیز ثابت باشد، حضرت امام خمینی نیز می‌فرمودند: ولایت فقیه همان ولایت رسول الله است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۰۵). وی همچنین معتقد است مجلس خبرگان ولی فقیه را انتخاب نمی‌کند بلکه آن را کشف و معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۴۴).

در نتیجه اصل حق حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، از آن خداوند است که با تفسیری توسط ولی فقیه در جامعه جاری می‌شود؛ مردم ایران نیز این نوع نظام را با اکثریت قاطع پذیرفته‌اند. صیانت از این امر در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی قابل مشاهده است. این حق توسط رهبری و اختیاراتی که دارد در جامعه جاری می‌شود. در اصل ۱۱۰ قانون اساسی در خصوص وظایف و اختیارات رهبری آمده است مهم‌ترین این اختیارات عبارتند از: «۱- تعیین سیاست‌های کلی کشور...؛ ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی کشور؛ ۳- فرمان همه‌پرسی؛ ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح و تعیین فرماندهان نظامی و انتظامی؛ ۵- نصب و عزل شش عضو فقیه شورای نگهبان؛ ۶- نصب رئیس قوه قضاییه؛ ۷- نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما؛ ۸- حل اختلافات و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛ ۱۰- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم؛ ۱۱- عزل رئیس جمهور...» (قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵).

طبق این اصل و در راستای حق حاکمیت الهی تعدادی از مقامات کلیدی در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران انتصابی هستند. همچنین این اصل باعث درک متفاوتی از برابری سیاسی در جمهوری اسلامی شده است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵) در اصل بیست و ششم در مورد احزاب چنین آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها،

انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی جمهوری اسلامی را نقض نکنند...». در اصل سیزدهم قانون اساسی (۱۳۸۵) در خصوص اقلیت‌های شناخته شده آمده است: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل کنند». بر اساس این اصل اقلیت‌های دینی که از نظر جمهوری اسلامی شناخته شده نمی‌باشند حق تشکیل حزب را نخواهند داشت و همچنین سایر گروه‌ها، اقشار و افراد به شرطی که مواردی نظیر اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، این امکان را دارند که حزب تشکیل دهند.

در ماده ۳۵ قانون انتخابات ذیل اصل ۱۱۵ قانون اساسی (۱۳۸۵)، انتخاب‌شوندگان تصدی مقام ریاست جمهوری باید شرایطی به قرار زیر داشته باشند: «(۱) از رجال مذهبی، سیاسی، (۲) ایرانی الاصل، (۳) تابعیت جمهوری اسلامی، (۴) مدیر و مدبر، (۵) دارای حسن سابقه و امانت داری، (۶) مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور». بر اساس این قانون انتخاب‌شونده باید رجال باشد، رجال جمع رجل به معنی مرد است. در نتیجه تا کنون هیچ زنی نتوانسته در کلیه دوره‌های برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از طرف شورای نگهبان به منظور انتخاب‌شوندگی احراز صلاحیت شود. همچنین انتخاب‌شونده باید معتقد به مذهب رسمی کشور باشد از این رو اقلیت‌های دینی فاقد صلاحیت احراز انتخاب‌شوندگی هستند. با این برداشت بیش از نیمی از افراد کشور از اصل برابری سیاسی-در معنای دموکراتیک آن (اونیل، ۱۳۹۱: ۱۸۷)- برخوردار نیستند.

مورد دیگری که اصل حق حاکمیت الهی ایجاب کرده است عدم تفکیک قوا است. تفکیک قوا یکی از اصول برخاسته از خردمندی سیاسی است. مطابق این اصل کارکردهای گوناگون دولت (قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی) باید توسط نهادهای مختلف و مستقل انجام شود (Barthelemy & Duez, 2004: 138).

قانون اساسی بارها نظام امت و امامت را مورد تأکید قرار داده است. به عنوان مثال در مقدمه قانون اساسی آمده است: «بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵: اصول ۲، ۵، ۵۷، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۷۷).

آیت‌الله بهشتی بر تبیین لزوم تمرکز قوا چنین می‌گوید: «نظام سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی نظام امت و امامت است و حق این است که با هیچ یک از این عناوین که در کتاب‌های حقوق سیاسی یا حقوق اساسی آمده قابل تطبیق نیست... نام راستین و کامل این نظام، نظام امت و امامت است. در راس این نظام، اصول عقیدتی و عملی اسلام بر اساس کتاب و سنت است. همه چیز باید از این قله سرازیر شود» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۹).

در اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵) چنین آمده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند؛ این قوا مستقل از یکدیگرند».

قانون‌گذار در اصل ۵۷ قانون اساسی (۱۳۸۵)، ولایت امر و امامت را فراتر از قوای سه‌گانه در نظر گرفته است. تامل در اصول مربوط به رهبری در قانون اساسی و به ویژه اصل ۱۱۰ نشان می‌دهد که نظارت رهبر بر قوای سه‌گانه،

نظارتی تشریفاتی نبوده، نظارتی همه جانبه است که از تفوق آن بر قوای حکومت حکایت می‌کند. فرق میان نظام تفکیک قوا در ایران که وجود یک قوه برتر ناظر را به رسمیت شناخته است با نظام تفکیک قوا در سایر کشورها فرع بر مسئله مشروعیت حاکمیت است. در صورتی که مشروعیت حاکمیت را از آن ملت بدانیم، وجود قوه برتر در نظام تفکیک قوا توجیهی ندارد؛ اما اگر مشروعیت حاکمیت را الهی و دینی بدانیم، پذیرش چنین حاکمیتی چیزی جز التزام به نظارت نهاد دین بر قوای سه گانه نخواهد بود (جوان آراسته، ۱۳۹۵: ۶۵).

مشخص است که حق حاکمیت الهی در قانون اساسی صیانت شده است اما برخی از مقامات در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی توسط آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. در اصل ششم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به آرای عمومی اداره شود. از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد». بخش عمده‌ای از مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی مختص به انتخاب این مقامات است. اما همواره این پرسش مطرح است که آیا این امکان وجود دارد که مردم اشخاصی را برای تصدی این مقامات انتخاب کنند که تهدیدی برای حق حاکمیت الهی باشد برای نمونه می‌توان از انتخاب اولین ریاست جمهوری اسلامی ایران (کولائی، صفرپور، ۱۳۸۸) یاد کرد. البته در قانون اساسی برای پیشگیری از چنین وضعیتی پیش‌بینی‌های صورت پذیرفته است از جمله نظارت استصوابی شورای نگهبان یا عزل ریاست جمهوری با شرایطی که در قانون اساسی آمده است. اما به نظر می‌رسد برای جلوگیری از چنین وضعیتی، روش پایدار، شرکت در رقابت‌های انتخاباتی توسط نیروهای سیاسی حافظ نظام است و برای کسب موفقیت در انتخابات، فعالیت‌ها ابتدا در جامعه مدنی رخ می‌دهد.

جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

جامعه مدنی را می‌توان احزاب و سازمان‌های مردم نهاد در فضای بین جامعه و دولت در نظر گرفت (محمدی، ۱۳۷۶: ۱). رویکرد جمهوری اسلامی به جامعه مدنی متأثر از حق حاکمیت الهی است. دیدگاهی بر این باور است که: «امروزه در غرب، جامعه مدنی در برابر جامعه دینی به کار می‌رود و عبارت است از جامعه‌ای که در آن دین حاکم نباشد و دین هیچ نقشی در تشکیلات و فعالیت‌های اجتماعی نداشته باشد» (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۵۳). با توجه به اینکه جمهوری اسلامی اساساً یک حکومت دینی است و در پی برپای جامعه دینی است تا جامعه مدنی، بودجه مشخصی به طور سالانه برای نهادها و سازمان‌های مذهبی تعیین می‌کند. برای نمونه در بودجه سال ۱۳۹۴ برای متولیان مذهبی نظیر «دانشگاه‌های مذاهب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی حوزه‌های علمیه و غیره» ۹۵۱۰۴ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است (قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور).

به طور کلی می‌توان گفت عملکرد کشورهای خاورمیانه در قبال جامعه مدنی به سه شیوه است، که عبارتند از: ۱- تقویت نیروها و نهادهای هوادار نظام؛ ۲- تضعیف نیروها و نهادهای مخالف نظام؛ ۳- ترکیب دو شیوه به صورت همزمان (کامروا، دلفروز، ۱۳۷۸: ۱۴۳). موضع نظام سیاسی ایران نسبت به جامعه مدنی منطبق با شیوه سوم است. برای نمونه در دولت اصلاحات (دولت هفتم و هشتم) برخی از روزنامه‌های عمدتاً اصلاح طلب توقیف گردیدند برخی از این روزنامه‌ها شامل: جامعه، نشاط، عصرآزادگان، سلام، خرداد، زن، نوروز، جمهوریت و یاس نو، است (رسانه خبری تحلیلی گفت‌وگو: ۱۳۹۲/۱۲/۲). در دولت نهم و دهم ۴۶ نشریه عمدتاً اصلاح طلب یا نزدیک به

اصلاح طلبان توقیف گردیدند (هم‌شهری: ۱۰ / ۹ / ۱۳۹۲). این در حالی است که برخی روزنامه‌های که هوادار نظام سیاسی شناخته می‌شوند، با کمک‌های مالی حکومتی، تامین می‌شوند و علی‌رغم تخلفات مطبوعاتی همواره به کار خود ادامه داده‌اند برای نمونه روزنامه کیهان علی‌رغم چند ده شکایات مختلف اعم از سیاسی، حقوقی و ... از سوی اشخاص و نهادهای دولتی و ... هیچ‌گاه توقیف نشده است (هم‌شهری: ۳۱ / ۶ / ۱۳۹۰). روزنامه‌های دیگری نظیر رسالت، جمهوری اسلامی، وطن، جام‌جم، هفته نامه پرتو، خبرگزاری‌های و پایگاه‌های خبری اینترنتی شامل رجا نیوز، تابناک، الف، جهان، مشرق، خبرآنلاین، خبرگزاری مهر و... از همین قاعده مستثنی نبوده‌اند (پونه‌زار: ۱۳۹۲/۱۲/۹).

در دوره جمهوری اسلامی طیف وسیعی از احزاب اصلاح طلب با حکم قضایی منحل گردیدند (خبرگزاری مشرق: ۱۳۹۲/۷/۱۳). اما در مقابل احزاب حامی حکومت همواره بدون مانع در انتخابات‌ها و سایر فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی حضور پررنگ داشته‌اند (شجره نامه احزاب متمایل به راست، ۱۳۹۰). علاوه بر احزاب اصول‌گرا تشکلی به نام بسیج در فضای سیاسی ایران وجود دارد که به عنوان یک سازمان شبه‌نظامی به نمایندگی از خرده نظام سیاسی در همه بخش‌های جامعه وظایفی را برای هماهنگ کردن کل نظام در رسیدن به اهداف عهده‌دار است (هاشم‌زهی، ۱۳۸۷: ۵۳). آنچه گفته آمد نمونه‌های به منظور صحت ادعای آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۷۹: ۵۲-۵۴) که گفته بودند: «ما در پی جامعه دینی هستیم نه جامعه مدنی غربی»، است.

– ساخت‌یابی الگوهای مشارکت سیاسی در ایران

در ایران به واسطه رویکرد نظام سیاسی دو نوع جامعه از هم قابل شناسایی است: (۱) جامعه سنتی - دینی؛ (۲) جامعه مدنی. جامعه سنتی - دینی وظیفه بازتولید نیروهای هوادار نظام را بر عهده دارد و جامعه مدنی لزوماً چنین رسالتی را ندارد و نظام سیاسی توانسته این وضعیت را تقویت کند. تاثیر این دو رویکرد بر مشارکت سیاسی، شکل‌گیری سه نوع الگوی مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است.

بر اساس نظریه ساخت‌یابی مشارکت‌سیاسی دارای دو بعد است یک ساختارها که شامل ساختارهای سیاسی یا به عبارت دیگر نظام سیاسی است و دوم عامل‌ها که شامل مردم است. البته در نظریه ساخت‌یابی عامل امری جمعی است نه مجزا در واقع گیدنز عامل جمعی را واحد تحلیل جامعه شناسی می‌داند (جلالی‌پور، محمدی، ۱۳۹۲: ۳۷۳). بر اساس نظریه ساخت‌یابی، مشارکت‌سیاسی می‌تواند تابع سه گفتمان شود که در (جدول ۱) به نمایش درآمده است.

جدول (۱) گفتمان‌های مشارکت‌سیاسی بر اساس نظریه ساخت‌یابی

گفتمان‌ها	وضعیت عاملیت	وضعیت عاملیت / ساختار	تیین	مصادق گفتمان‌ها
گفتمان و الگوی حمایتی	فقدان عاملیت (عامل‌ها تحت الزامات ساختاری‌اند)	الزامات ساختاری	مشارکت‌سیاسی مستلزم تییین ساختاری است.	نیروهای سیاسی محافظه کار
گفتمان و الگوی غیرحمایتی	وجود عاملیت	وجود ساختارها	مشارکت‌سیاسی مستلزم تییین نهادی است.	نیروهای سیاسی اصلاح طلب
گفتمان و الگوی متخاصم	وجود عاملیت	فقدان ساختارها	مشارکت‌سیاسی مستلزم کنش سیاسی است.	نیروهای سیاسی رادیکال

منبع: برگرفته از (Sibeon, 2004).

این سه الگو با توجه به سلسله مراتب مشارکت سیاسی "لستر میلبراث"^۱ دارای سطوح مشارکت سیاسی متفاوتی است. سلسله مراتبی که به ترتیب از عدم درگیری، رای‌دادن، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی، عضویت انفصالی در یک سازمان شبه سیاسی، عضویت انفصالی در یک سازمان سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره، عضویت فعال در یک سازمان شبه‌سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، جستجوی مقام سیاسی یا اداری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند. پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی «رای‌دادن» در انتخابات است (Dowse & Hughes, 1975: 29). بر این اساس سه گفتمان یا الگوی مشارکت سیاسی در ایران قابل تمایز و شناخت است که عبارتند از: الف) گفتمان رابطه تخصص؛ ب) گفتمان حمایتی؛ ج) گفتمان غیرحمایتی.

الف) الگو رابطه تخصص

در این الگو علاوه بر اینکه رابطه تابعیت وجود ندارد بلکه رابطه‌ای مبتنی بر طرد و برون‌گذاری پدید آمده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران دو نوع اپوزیسیون سیاسی قابل تعریف است. که در این مقاله به آن اپوزیسیون رسمی و اپوزیسیون غیررسمی خواهیم گفت. اپوزیسیون غیررسمی شامل طیفی از کنشگران سیاسی است که از طرف نظام طرد شده و اجازه هیچگونه فعالیت سیاسی به آنها داده نمی‌شود این گروه‌ها شامل تشکل‌های سیاسی چپ تا سلطنت طلب‌های راست‌گرا است. که با توجه به دسته‌بندی فوق گفتمان تخصص محسوب می‌شود.

با پیروزی نیروهای انقلابی در سال ۱۳۵۷ شمار وسیعی از نخبگان سیاسی کشور از عرصه سیاست کنار گذاشته شدند. این نخبگان که همگی سابقه همکاری با رژیم پیشین را داشتند، در ساختار جدید نمی‌توانستند مقامی داشته باشند (خواجه سروری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷). ویژگی این گروه سیاسی نگاه دین‌گریز و دین ستیزشان بود در واقع این گروه سیاسی با یکی از اصول اساسی این انقلاب یعنی نگاه دینی تعارض داشتند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹۷). این نیروها در عرصه سیاست خارجی گرایش به وابستگی و در بهترین حالت سیاست مستقل ملی داشتند. از اختلافات فاحش دیگری که میان این گروه با نیروهای انقلاب بود این است که این نیروها از حامیان رژیم صهیونیستی بودند (مهدوی، ۱۳۸۹). این جریان در جنگ تحمیلی با صدم ارتباط داشت و خواستار نابودی جمهوری اسلامی و از تحریک‌کنندگان اصلی حمله نظامی آمریکا به ایران است (خواجه‌سروری، شاعری، ۱۳۹۳: ۲۰۲-۲۰۱).

جریان موسوم به چپ مارکسیستی دیگر اپوزیسیون غیررسمی جمهوری اسلامی است (صوفی آبادی، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۳۲۴). یکی از گروه‌های این جریان سازمان مجاهدین خلق است. افراد تشکیل دهنده این سازمان قرائتی چپ‌گرایانه از دین اسلام داشتند (جعفریان، ۱۳۸۳: ۴۸). در واقع این افراد مخالف پذیرش مقام روحانیت در اسلام بودند و اسلام منهای روحانیت را خواستار بودند (خواجه‌سروری، شاعری، ۱۳۹۳: ۲۰۷). سرانجام از قدرت کنار گذاشته شدند و اعضای آن ایران را ترک کردند و تمامی انتخابات در ایران را تا کنون تحریم کردند (صوفی آبادی، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۳۲۴).

نیروهای سیاسی سلطنت‌طلب و مجاهدین خلق به عنوان نمونه گفتمان متخصص و اپوزیسیون غیررسمی جمهوری اسلامی در نظر گرفته می‌شود که به لحاظ گفتمانی رابطه تخصص دارند و از سیاست و مشارکت سیاسی کنار گذاشته

^۱ Milbrath.L

شده‌اند. به لحاظ ساخت‌یابی در زمره گروه ادغام ساختار در عاملیت قرار می‌گیرند و در سلسله مراتب مشارکت سیاسی در عدم رای‌دادن قرار دارند. البته بر اساس سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث دارای وابستگی سازمانی سیاسی هستند و فعالیت‌های سیاسی نیز دارند ولی در پروسه انتخاب‌شوندگی نمی‌توانند وارد شوند این گروه به هوادارن توصیه می‌کنند که وارد فرآیند رای‌دهی نشوند. اینکه چه میزان از افرادی که دارای حق انتخاب هستند و مشارکت نمی‌کنند پایبندی به این گروه‌ها دارند، برآورد نشده است ولی می‌دانیم هیچگاه انتخابات صدر صدی در جمهوری اسلامی برگزار نشده است.

ب) الگوی حمایتی

در این الگو رابطه‌ای شکل می‌گیرد که در آن عاملیت تابع ساختار سیاسی است. در این رابطه عاملیت اساساً فاقد معنا است. عاملان شامل کسانی هستند که درون شبکه‌ی حامی‌پروری قرار دارند، دارای توان بازاندیشی و عقلانیت‌اند و از این رو به بازتولید نظام یاری می‌رسانند.

قوی‌ترین جریانی که در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی موفق بود و بیشترین تعداد شهروندان و حامی را داشت، پیروان اسلام انقلابی و فقهاتی بود (خواجeh سروری، شاعری، ۱۳۹۳: ۲۰۸). این طیف شامل اصول‌گرایان در ادبیات سیاسی ایران می‌شوند و برآمده از جامعه سنتی-دینی در ایران هستند. مهم‌ترین اصول و نشانه‌های گفتمانی اصول‌گرایی، عبارتند از: «تاکید بر نقش تاثیرگذار آموزه‌های دینی در عرصه زندگی سیاسی-اجتماعی؛ تاکید بر نقش ولایت فقیه در نظام اسلامی با گرایش به نظریه انتصاب الهی ولی فقیه؛ تاکید بر ارزش‌های اسلامی؛ تاکید بر عدالت اجتماعی-اقتصادی به عنوان نیاز واقعی مردم که بر اساس چنین نگرشی توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی مقدم می‌شود» (حسینی‌زاده، حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۸؛ بهروزلک، ۱۳۸۶: ۲۵۳). این دیدگاه قائل به ولایت انتصابی فقیه حاکم است و ولایت فقیه را مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی تلقی می‌کند (فیرحی، ۱۳۹۶: ۲۷۵) و مردم در این دیدگاه مشروعیتی به حکومت فقیه نمی‌دهند، مردم با رای به خبرگان، در واقع رجوع به بنیه کرده‌اند، با این تحلیل، انتخابات زمینه‌ای برای کشف رهبر می‌شود، نه این که به او مشروعیت ببخشند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸: ب: ۲۵). در چارچوب این گفتمان، ولی فقیه از سوی خدا نصب شده و مردم نقشی در مشروعیت‌بخشی به حکومت او ندارند و حداکثر در تحقق و فعلیت یافتن آن موثراند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸ الف: ۹۴). صاحب‌نظران دیگری، نظیر: آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۶۸: ۱۶۲)؛ آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۴۱۱ق: ۴۸۶) و آیت‌الله صافی گلپایگانی (۱۴۱۵ ق) نیز دیدگاه فوق را تقویت می‌نمایند.

بر اساس نظریه ساخت‌یابی‌گیدنز، عاملیت این طیف در ساختار ادغام شده است و عاملیت آنها تحت الزامات ساختاری است. نمود عینی چنین وضعیتی در مشارکت سیاسی پیروی و حمایت از انتخاب‌شوندگانی است که حافظ ساختارهای حاکم هستند. در انتخابات و همه‌پرسی‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم در سال ۱۳۷۶ به استثنا دور اول ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ (کولائی، صفرپور، ۱۳۸۸). این جریان برنده بلامنازع همه انتخابات و همه‌پرسی‌ها بوده است. همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (شفیعی، ۱۳۹۱)، انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری (قرزلایق، ۱۳۹۰). انتخابات خبرگان رهبری دوره اول (قمی، ۱۳۹۳). انتخابات دوره سوم و چهارم ریاست جمهوری (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۲/۱/۷). انتخابات دوره پنجم و ششم

ریاست جمهوری (قادری، عالی‌زاد، ۱۳۹۲). انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا پنجم (فقیهی و دیگران، ۱۳۹۳). انتخابات دوره نهم و دهم ریاست جمهوری (علویان، موسوی، ۱۳۹۵) و انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی (پایگاه خبری یافته: ۱۳۹۴/۴/۴).

این نیروی سیاسی که برآمده از جامعه دینی- سنتی در ایران است به دلیل عملکردی که در حفظ ساختار سیاسی موجود و بازتولید نیروهای سیاسی هوادار نظام دارد، همواره توسط حاکمیت سیاسی مورد حمایت و تشویق برای حضور در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، قرار گرفته است؛ و طبق سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث از امکان مشارکت سیاسی از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح برخوردار است.

ج) الگو غیر حمایتی

در این الگو رابطه‌ای تابعیت وجود ندارد. عاملان دارای مواضع متفاوت نسبت به فرمانروا هستند البته در نهایت به او پایبند هستند و همواره در حال جذب و دفع از شبکه حامی‌پروری هستند. این طیف شامل اصلاح‌طلبان در ادبیات سیاسی ایران می‌شود و به عنوان اپوزیسیون رسمی در عرصه سیاست ایران فعالیت دارند.

«جریان اسلام‌گرا در دهه ۶۰ شمسی اولین شکاف سیاسی خود را موسوم به چپ و راست تجربه نمود. این شکاف با تشکیل جبهه دوم خرداد عمیق‌تر و عینی‌تر شد. در اوایل دهه ۸۰ شمسی مجدداً عناوین دو جناح کشور دچار تحول در مفهوم واژه‌ها شد و به اصلاح‌طلب و اصول‌گرا تغییر نام یافت» (دارابی، ۱۳۹۰: ۵۳). در واقع در انتخابات ریاست جمهوری دور هفتم ائتلاف خط امام و کارگزاران هم‌سو با مجمع روحانیون مبارز شامل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان، جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، خانه کارگر، حزب همبستگی، مجمع اسلامی بانوان، مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه، انجمن روزنامه‌نگاران زن، جامعه اسلامی پزشکان، حزب اسلامی کار، ائتلاف خط امام (ره) و ... از کاندیداتوری محمد خاتمی حمایت کردند (جوانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

این گفتمان بر سیاسی بودن اسلام پافشاری می‌کرد، جدایی دین از سیاست را نفی می‌نمود و به حکومت اسلامی باور داشت و در چارچوب این گفتمان، انقلاب اسلامی، جنبشی مدرن در جهت ایجاد یک حکومت دموکراتیک و مبتنی بر ارزش‌های دینی به شمار می‌آمد. از نشانه‌های دیگر این گفتمان، مفهوم جامعه‌مدنی است که در ضمن آن عناصری چون: منشأ مردمی حکومت، مشارکت مردم، قانون‌مندی و محدودیت دولت، پاسخ‌گو بودن همه افراد صاحب‌منصب در برابر قانون و مردم و وجود نهادهای مدنی واسطه را به عنوان اصول اساسی جامعه مدنی مورد نظر خود معرفی می‌کند (حسینی‌زاده، حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۵).

این گفتمان می‌کوشد در برابر رقیب، که بر اسلامیت انقلابی و جمهوری اسلامی تاکید می‌کند، جمهوریت نظام را برجسته ساخته و ولایت فقیه را به عنوان مبنای نظام و یکی از رکن‌های اصلی آن پذیرفته، ولی می‌کوشد تا از آن، قدسیت‌زدایی کرده و قرائتی مدرن و دموکراتیک از آن ارائه دهند، لذا بر مشروعیت مردمی ولایت فقیه بیشتر تاکید می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۰۴). محورهای اصلی اعلامی گفتمان اصلاح‌طلبی را می‌توان، تاکید بر نقش مردم در فرآیند سیاسی، طرح و دفاع از نظریه انتخابی ولایت فقیه، مبارزه با انحصار قدرت، مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان، آزادی و در نهایت جامعه‌مدنی و توسعه سیاسی دانست (حسینی‌زاده، حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۶).

تاکید بر نقش مردم و جمهوریت‌خواهی سبب شد تا دال ولایت فقیه در کانون مفصل‌بندی آنان قرار نگیرد. آنان جمهوریت و نقش مردم را دال محوری خود قرار داده و نشانه‌های دیگر، همچون ولایت فقیه را در بدنه مفصل‌بندی گفتمانی خود قرار دادند، هم‌چنین تمرکز بر جمهوریت و نقش مردم در حکومت اسلامی موجب شد تا آنها در این دوران، اغلب نشانه‌های مربوط به توسعه سیاسی، مانند: جامعه‌مدنی، آزادی و برابری را در مفصل‌بندی خود قرار دهند و بر آن تاکید کنند (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

این گفتمان و در واقع نیروی سیاسی موسوم به اصلاح‌طلبی برآمده از جامعه مدنی در ایران است و تا کنون توانسته است در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم و هشتم (زیباکلام و دیگران، ۱۳۸۹) و یازدهم (بشیری، ازغندی، ۱۳۹۳) و انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی (پورسعید، ۱۳۸۳) قدرت سیاسی را کسب کند.

نظام حاکم در جمهوری اسلامی برآمده از جامعه سنتی-دینی در ایران است و همواره سعی بر کنترل جامعه مدنی دارد از این رو این کنترل را بر فعالیت‌های نیروهای سیاسی اصلاح طلب نیز بسط داده است بدین جهت الگوی سیاسی دیگری در ایران شکل گرفته است که بر اساس سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث، دارای چرخه مشارکت سیاسی کاملی نیست. این نیرو و هواداران آن در جامعه امکان کنش سیاسی همانند الگوی مشارکت سیاسی اصول‌گرایان را ندارند. برای نمونه همواره کاندیدهای این جریان با سد شورای نگهبان برای ورود به عرصه انتخاب شونده‌گی روبرو بوده است (دشتگلی‌هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۵۳-۲۵۷). همچنین همواره سعی شده است از گردهمایی‌های اعتراضی این جریان جلوگیری شود (دشتگلی‌هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۵۷-۲۶۱)؛ و در مواردی احزاب مربوط به جریان اصلاح طلب غیرقانونی اعلان شده است (دشتگلی‌هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

نتیجه‌گیری

مهمترین ویژگی نظام جمهوری اسلامی اصل حق حاکمیت الهی است. بر اساس این اصل حق حاکمیت از آن خداوند است که با تفاسیری توسط ولی فقیه در جامعه جاری می‌شود. تعدادی از مقامات کلیدی در نظام جمهوری اسلامی توسط رهبری انتصاب می‌شوند و برخی از مقامات توسط مردم. فرآیند مشارکت سیاسی در جهت کسب مقامات انتخابی است و ممکن است گاهی نتایج مشارکت سیاسی بر خلاف حق حاکمیت الهی باشد. البته در قانون اساسی برای جلوگیری از این رویداد پیش‌بینی‌های صورت گرفته شده است. همچنین عملکرد ساختار سیاسی نیز در پی صیانت از همین اصل اساسی است.

ساختار سیاسی دینی جمهوری اسلامی در جامعه تاثیر گذاشته است. در ایران دو نوع جامعه قابل مشاهده است: (۱) جامعه سنتی-دینی؛ (۲) جامعه مدنی. جامعه سنتی-دینی وظیفه بازتولید نیروهای هوادار نظام را بر عهده دارد و جامعه مدنی لزوماً چنین رسالتی را ندارد. تاثیر این دو نوع جامعه بر مشارکت سیاسی، شکل‌گیری سه نوع الگوی مشارکت سیاسی بوده است. این سه الگو با توجه به سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث دارای سطوح مشارکت سیاسی متفاوتی هستند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران دو نوع اپوزیسیون سیاسی قابل تعریف است. اپوزیسیون غیررسمی شامل طیفی از کنشگران سیاسی است که از طرف نظام طرد شده و اجازه هیچگونه فعالیت سیاسی به آنها داده نمی‌شود این گروه‌ها شامل تشکل‌های سیاسی چپ تا سلطنت طلب‌های راست‌گرا است. که با توجه به دسته بندی فوق گفتمان تخصم

محسوب می‌شود. اپوزیسیون غیررسمی جمهوری اسلامی به لحاظ ساختاری در زمره گروه ادغام ساختار در عاملیت قرار می‌گیرند و در سلسله مراتب مشارکت سیاسی در عدم رای دادن قرار دارند.

الگوی دیگر گفتمان حمایتی است، در این گفتمان رابطه‌ای شکل می‌گیرد که در آن عاملیت تابع ساختار سیاسی است. در این رابطه عاملیت اساساً فاقد معنا است. عاملان در واقع شامل کسانی هستند که درون شبکه‌ی حامی‌پروری قرار دارند، دارای توان بازاندیشی و عقلانیت‌اند و از این رو به بازتولید نظام یاری می‌رسانند. این طیف شامل اصول‌گرایان در ادبیات سیاسی ایران می‌شوند. عاملیت این طیف در ساختار ادغام شده است در واقع عاملیت تحت الزامات ساختاری است. نمود عینی چنین وضعیتی در مشارکت سیاسی پیروی و حمایت از انتخاب‌شوندگانی است که حافظ ساختارهای حاکم هستند. این نیروی سیاسی که برآمده از جامعه سنتی در ایران است به دلیل عملکردی که در حفظ ساختار سیاسی موجود و بازتولید نیروهای سیاسی هوادار نظام دارد، همواره توسط حاکمیت سیاسی مورد حمایت و تشویق برای حضور در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، قرار گرفته است؛ و طبق سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث دارای الگوی مشارکت سیاسی فراگیری است یعنی از امکان مشارکت سیاسی از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح برخوردار است.

الگوی دیگر گفتمان غیرحمایتی است در این گفتمان رابطه‌ای تابعیت وجود ندارد. عاملان دارای مواضع متفاوت نسبت به فرمانروا هستند البته در نهایت به او پایبند هستند و همواره در حال جذب و دفع از شبکه حامی‌پروری هستند. این طیف شامل اصلاح‌طلبان در ادبیات سیاسی ایران می‌شود و به عنوان اپوزیسیون رسمی در عرصه سیاست ایران فعالیت می‌کنند. نظام حاکم در جمهوری اسلامی از آن رو که برآمده از جامعه سنتی در ایران است همواره سعی بر کنترل جامعه مدنی نه لزوماً دینی دارد از این رو این کنترل را بر فعالیت‌های نیروهای سیاسی اصلاح طلب نیز به‌سبب داده است بدین جهت الگوی سیاسی دیگری در ایران شکل گرفته است که بر اساس سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث، دارای چرخه مشارکت سیاسی کاملی نیستند. این نیرو و هواداران آن در جامعه امکان کنش سیاسی همانند الگوی مشارکت سیاسی اصول‌گرایان را ندارند.

منابع

- اسدی، علی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: نشریه مدیریت توسعه مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اصلاحچی، مرتضی (۱۳۸۷). پیش‌بینی ناپذیری، کنش سیاسی ایرانان. مجله گزارش. ش ۲۰۰: ۲۹ - ۳۱.
- اونیل، پاتریک (۱۳۹۱). مبانی سیاست تطبیقی (نظام‌های سیاسی تطبیقی). ترجمه سعید میرترابی. تهران: نشر قومس.
- باور، یوسف (۱۳۷۳). بررسی تاثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان (دانشگاه شیراز) به نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- بشیری، سعید؛ و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی پایگاه اجتماعی وزیران دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی. ش ۲۹: ۱۱۷ - ۱۳۹.
- بهرزولک، غلامرضا (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پارکر، جان (۱۳۸۵). ساختاری. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- پورسعید، بهزاد (۱۳۸۳). مجلس ششم؛ درس‌هایی از تعارض‌ها و تعامل‌ها. راهبرد. ش ۳۴: ۲۹۹ - ۳۱۰.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳). جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی و مذهبی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- جلالپور، حمیدرضا؛ و محمدی، جلال (۱۳۹۲). نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۶۸). پیرامون وحی و رهبری. قم: الزهرا.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۵). نظام سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران. فقه و مبانی اسلامی. ش ۱۴: ۵۱ - ۶۸.
- جوانی، یدالله (۱۳۸۶). دوم خردادی‌ها (اصلاح طلبان): از گذشته، حال و راهبردهای انتخاباتی. حصون. ش ۱۴: ۱۱۵ - ۱۴۴.
- حسینی‌بهشتی، محمدحسین (۱۳۷۷). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: انتشارات بقیه.
- حسینی‌زاده، ابوالفضل؛ و حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۳). مسئله آزادی در دو گفتمان اصولگرا و اصلاح‌طلب. سپهر سیاست. ش ۱: ۶۱ - ۸۲.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجه سروری، غلامرضا؛ رزم‌جو، علی اکبر؛ و شارعی، محمدحسن (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خواجه سروری، غلامرضا؛ و شارعی، محمد حسن (۱۳۹۳). جریان‌شناسی نیروهای سیاسی (بین سال‌های ۵۷ تا ۶۲). راهبرد، ش ۷۳: ۱۹۵ - ۲۱۵.
- دارابی، علی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی جریان‌های سیاسی در دهه چهارم از انقلاب اسلامی. مطالعات سیاسی، ش ۱۴: ۴۳ - ۷۲.
- دشتگلی هاشمی، مانا؛ خانیکی، هادی؛ و شاوردی، تهمینه (۱۳۹۵). تحولات کنش ارتباطی، حوزه‌ی عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران (مطالعه موردی: فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات ریاست جمهوری دهم). پژوهش سیاست نظری. ش ۲۰: ۲۳۱ - ۲۶۷.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- رضی، داوود (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۷۲ - ۱۳۵۸؛ پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زیباکلام، صادق؛ افشاری، داود؛ و اصلانزاده، عبدالله (۱۳۸۹). علل روی کارآمدن خاتمی (دولت اصلاحات ۱۳۷۶) «براساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون». تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. سال دوم، ش ۲۶۳: ۵۱ - ۷۶.
- سراج زاده، حسین (۱۳۶۸). بررسی میزان شرکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب در شهرستان‌های کشور و رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۴). تحول مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه تاملی نظری. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال چهارم، ش ۵.
- شجره‌نامه احزاب متمایل به راست (۱۳۹۰). گزارش، ش ۲۲۶: ۹ - ۱۱.
- شفیعی، محمود (۱۳۹۱). حاکمیت خدا و مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. حقوق بشر. ش ۲: ۶۷ - ۸۰.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۵ق). ضروره الوجود الحکومه او ولایت الفقها فی عصر الغیبه. قم: دارالقرآن الکریم.
- صوفی آبادی، فاطمه (۱۳۸۷). از مجاهدت در راه خلق تا خیانت به خلق (مروری بر اقدامات تروریستی منافقین در تابستان ۱۳۶۰). پانزده خرداد. ش ۱۶: ۲۸۱ - ۳۲۴.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۰). حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران. جامعه‌شناسی ایران. سال پنجم. ش ۲.
- علویان، مرتضی و موسوی، سید صالح (۱۳۹۵). چالش‌های تخصصی بین ایران و رژیم صهیونیستی در دولت نهم و دهم. تحقیقات جدید در علوم انسانی. ش ۴: ۱۳ - ۲۸.
- فرجام فر، جلال (۱۳۷۹). بررسی انگیزه‌های روانی، اجتماعی مشارکت دانشجویان ساکن تهران دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

فقیهی، ابوالحسن؛ ذاکری، محمد؛ و اسدی، اسماعیل (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی ایران. راهبرد. ش ۷۲: ۱۷۴ - ۲۰۰.
فیرحی، داود (۱۳۹۶). فقه و حکمرانی حزبی. تهران: نشر نی.
قادری، طاهره؛ و عالی‌زاد، اسماعیل (۱۳۹۲). سیاست‌های دولت و توسعه سیاسی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸). علوم اجتماعی. ش ۶۰: ۱ - ۴۲.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کوشش شهره پور شقایق. تهران: راه دانایی.
قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور.

قزل‌ایاق، ایمان (۱۳۹۰). روند تشکیل دولت اسلامی: نیم‌نگاهی به دولت شهیدان رجایی و باهنر. پاسداران اسلام. ش ۳۵۷: ۲۱ - ۲۴.
قمی، محسن (۱۳۹۳). جایگاه و اهمیت مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های انقلاب اسلامی. ش ۸: ۷ - ۳۴.

قهرمانی، زری (۱۳۷۵). سنجش میزان مشارکت اجتماعی زنان در بین معلمان و دبیران آموزش و پرورش زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد زنجان.

کامروا، مهران؛ و دلفروز، تقی (۱۳۷۸). تحلیل ساختاری از دولت‌های غیردموکراتیک و آزادسازی سیاسی در خاورمیانه. مطالعات خاورمیانه. ش ۲۰: ۱۴۱ - ۱۷۸.

کرایب، یان (۱۳۷۸). تئوری اجتماعی مدرن، پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر آگاه.

کولائی، الهه؛ و صفرپور، مهدی (۱۳۸۸). زمینه‌های سقوط اولین رئیس جمهور (ابولحسن بنی‌صدر). سیاست. ش ۹: ۲۴۱ - ۲۶۰.
مارش، دیوید؛ و جری استوکر (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیر محمد حاج یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمدی، مجید (۱۳۷۶). جامعه مدنی. تهران: نشر قطره.

مردوخی، ایزید (۱۳۷۳). مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۶.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). بحثی ساده و کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). حکیمانانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸ الف). نظریه سیاسی اسلام. جلد ۲. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸ ب). نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصفا، نسربین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: موسسه چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). انوارالقاهاه (کتاب البیع). قم: مدرسه امیرالمومنین (ع).

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی، میرطاهر (۱۳۷۷). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم، ش ۲۲.

مهدوی، هوشنگ (۱۳۸۹). سیاست خارجی دوران پهلوی. تهران: نشر پیکان.

هاشم‌زهی، نوروز (۱۳۸۷). کنکاشی نظری در الگوهای رفتاری اقشار بسیجی. مطالعات راهبردی بسیج. ش ۴۰: ۵۱ - ۹۰.

Barthelemy, Joseph et Duez, Paul (2004). **Traite de droit constitutionnel**, paris: Panthéon-Assas.
Dowse R.E and Hughes. J.A (1975). **Political sociology**, johnwiley sons, printe in Great Britain by Whitstable titho Ltd.
Enayat, Halimeh (2002). **Political Participation of Women in Iran: A Sociological Study**, Ph. D. Thesis, Punjab University, Chandigarh, India
Fakouhi, Naser (2004). **Humanism theory on villager think about political participation**. Sociology magazine, NO.26. pp 25-67(in persion).

Giddens, Anthony (1984). **The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration**, Cambridge: Polity press.

Jahanbakhsh, Forough (2001). **Islam democracy and religovs modernism in Iran**, Brill.

Lipset, Simor Martin (1994). **The social Requistes of Democracy Revisited**, American sociological review, no, 59.

Seidmam, Steven (1996). **Contested Knowledge; Social Theory in Post modern Era**.2ed. Oxford: Blackwell Publisher.

Sibeon, roger (2004). **Rethinking social theory**, London: SAGE Publications.

رسانه خبری تحلیلی گفت‌وگو (۱۳۹۲/۱۲/۲). همه روز نامه های توقیف شده از سال ۷۶ تا کنون، (۹۶/۵/۱)، از اینترنت:

<http://www.goftogoonews.com/Pages/News/۲۴۹۲۳/>

همشهری (۱۳۹۲/۹/۱۰). توقیف ۴۶ نشریه در دولت احمدی‌نژاد، همشهری آنلاین (۱۳۹۶/۵/۱)، از اینترنت:

<http://hamshahrionline.ir/details/240753>

همشهری (۱۳۹۰/۶/۳۱). همه شاکیان کیهان (۱۳۹۶/۵/۱). از اینترنت:

<http://hamshahrionline.ir/details/146166>

خبرگزاری مشرق (۱۳۹۲/۷/۱۳). دورخیز فتنه‌گران برای بازگشت به قدرت (۹۶/۵/۱)، از اینترنت:

<http://www.mashreghnews.ir/news/258476/>

باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۲/۱/۲۷). انتخابات ریاست جمهوری از دیروز تا امروز، باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۶/۵/۱۵)، از

اینترنت: <http://www.yjc.ir/fa/news/4313590/>

پونه‌زار (۱۳۹۲/۱۲/۹)، نگاهی اجمالی به پشت پرده روزنامه‌ها و سایت‌های خبری ایران، (۱۳۹۶/۵/۱۰)، از اینترنت:

<http://pounezar.ir/10101/>

پایگاه حوزه هنری (۱۳۹۶/۵/۵). از اینترنت: <http://sourehonar.ir/aboutus>

پایگاه خبری یافته (۱۳۹۴/۴/۴). نتایج انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی، یافته (۱۳۹۶/۵/۱۵) از اینترنت:

<http://yaftenews.ir/notes/other/9454-nataen.html>